

عیسی چه کرد؟: درک کار مسیح

درس ۱۲: بازگشت

دکتر آر. سی. اسپرول

امروز به آخرین قسمت از سری پیغامها مون درباره‌ی کار مسیح می‌رسیم و نگاهی اجمالی به بازگشت عیسی در آخر زمان خواهیم کرد، جایی که او پادشاهی خود را به طور کامل به انجام می‌رساند. پس با اینکه کار زمینی او با صلیب و رستخیز تمام شده و به آسمان صعود کرده جایی که به دست راست پدر نشسته، با همه‌ی اینها کارهای بیشتری قراره به انجام برسه. او دوباره در آخر زمان باز می‌گردد تا کار پادشاهی‌اش را به پایان برساند.

حالا، برای قرن‌ها، کلیسا به بازگشت عیسی تحت عنوان امید مبارک اشاره کرده. حالا می‌خواهم یه توضیح مختصری در موردش بدم. بازگشت عیسی امید ماست. چیزی که مشتاق دیدارش هستیم و نمی‌تونیم برای تجربه‌اش صبر کنیم. آخرین جملات عهد جدید این هست: «آمین. بیا ای خداوند عیسی!» حالا وقتی از کلمه / امید در زبان انگلیسی استفاده می‌کنیم، به چیزی اشاره می‌کنیم که آرزو داریم و دوست داریم اتفاق بیافته، اما هیچ تضمین یا اطمینانی نداریم که به وقوع خواهد پیوست. ممکنه ازم بپرسید که آیا فکر می‌کنم استیلرها توی مسابقات فوتبال امسال برنده می‌شن، و من می‌گم: «امیدوارم، اما شرط نمی‌بندم.» اما در دسته‌بندی‌های عهد جدید کلمه یونانی *elpis* که «امید» ترجمه شده چیزی نیست که فاقد قطعیت و اطمینان باشه. امیدی که عهد جدید در موردش صحبت می‌کنه به آن دسته وعده‌هایی اشاره داره که خدا در مورد آینده داده و تحقق اونا کاملاً قطعیه. هیچ شکی در موردش وجود نداره. پس ما این امید را داریم و امیدی که از سوی خدا و روح القدس به ما داده شده امیدی هستش که هرگز ما رو ناامید و شرمند نمی‌کنه. و این امید خاص، مبارکه. وعده‌ی بازگشت عیساست که امید مبارک هستش.

عهد جدید مطالب زیادی در مورد بازگشت عیسی در آینده عنوان می‌کنه. و ما توی یک پیغام زمان کافی برای بررسی تمام جنبه‌های مرتبط با اون رو نداریم. اما می‌خواهم حداقل به مکاتباتی که پولس در مورد موضوع بازگشت با کلیسای تسالونیکیه داشت، بپردازم. و اول از همه به اول تسالونیکیان، فصل ۴، از آیه ۱۳ نگاهی می‌کنیم که پولس اینطور می‌نویسه: «اما ای برادران نمی‌خواهیم شما از حالت خوابیدگان بی‌خبر باشید که مبادا مثل دیگران که امید ندارند، محزون شوید. زیرا اگر باور می‌کنیم که عیسی مرد و برخاست، به همین‌طور نیز خدا آنانی را که در عیسی خوابیده‌اند با وی خواهد آورد. زیرا این را به شما از کلام خدا می‌گوییم که ما که زنده

و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست. زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. پس بدین سخنان همدیگر را تسلی دهید.»

حالا مطلبی که الان خوندیم، تعلیم پولس هست در مورد آنچه عموماً به ربوده شدن معروفه. ربوده شدن اشاره به آمدن عیسی و بالا برده شدن مقدسین در هوا برای ملاقات با اوست. و فکر می‌کنم درباره این واقعه اطلاعات نادرست و غلط بسیاری وجود داره اما چیزهایی هستند که ما باید در مورد ربوده شدن به‌طور کامل درک کنیم. اولین چیز اینه که بازگشت عیسی مرئی و دیدنی خواهد بود. در جسم خواهد بود و در پیروزی و ظفر انجام خواهد شد و بازگشت او مثل نخستین ظهورش در فروتنی و افتادگی نخواهد بود، بلکه او در این ظهور، در ظفر، قدرت و جلال و بر ابرهای جلال می‌آید... آمدن او پنهانی نخواهد بود بلکه آشکار خواهد بود. مجدداً، اگه جلسه آخرمون رو به یاد داشته باشید که در مورد صعود بود، روی کوه صعود، هنگامی که فرشته با شاگردان صحبت کرد، گفت: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، به همین شکل باز خواهد آمد.» پس ما مشتاقانه منتظر بازگشت آشکار او هستیم. همانطور که او در ابر جلال شکینا رفت، به همان شکل نیز آشکارا با این ابر جلال بازخواهد گشت.

حالا این دیدگاه بسیار شایع در کلیسای امروزی وجود داره که اون چیزی که پولس در اول تسالونیکیان در موردش صحبت می‌کنه، ربوده شدن، که کلیسا در هوا ربوده میشه و بعد چیزی حدود سه سال و نیم یا هفت سال- یا در طول دوران مصیبت عظیم- اون بالا منتظر می‌مونه و بعد در پایان آن زمان دوباره برمی‌گرده، پس شما در اون مقطع دو ظهور ثانوی دارید. و فکر می‌کنم این تفسیر در نتیجه سوء برداشتی جدی از اون چیزی هستش که پولس در اول تسالونیکیان توصیف می‌کنه به وجود اومده.

با یکی از رهبران برجسته که اون مکتب فکری رو در فرهنگمون و کلیسای امروز رهبری می‌کنه، صحبت کردم؛ کسی که ربوده شدن «پیش از مصیبت عظیم» رو تعلیم میده و بسیاری از مردم در موردش هیجان دارن، اینکه کلیسا قبل از اینکه مورد جفا و مصیبت عظیم قرار بگیره با ربوده شدن، زمین رو ترک می‌کنه و هیچ چیزی از آن دوران رنج و مصیبت رو تجربه نمی‌کنه. و وقتی داشتم با این رهبر صحبت می‌کردم، بهش گفتم «اینجا یه کمکی به من بکن.» گفتم: «من

حتی یک آیه هم در کل کتاب مقدس پیدا نمی‌کنم که ربوده شدن پیش از ایام مصیبت رو تعلیم بده. می‌تونی به من بگی کجا می‌تونم پیدااش کنم؟» هرگز، هرگز اون حرفی رو که به من زد فراموش نمی‌کنم. او گفت: «نه.» گفت: «نمی‌تونم. اما این چیزیه که از زمانی که یه بچه کوچک بودم بهم تعلیم دادن.» گفتم: «بیا الهیاتمونو از کتاب مقدس بگیریم نه از درسی که سالها پیش از یک نفر توی کانون شادی یاد گرفتیم.»

خب، اگه پولس تو اینجا در مورد یه ربوده شدن سری صحبت نمی‌کنه. منظورم اینه که این بدترین رازیه که در تاریخ پنهان شده، چون پولس در اینجا نزول عیسی رو با صدای شیپور عظیم و ابرهای جلال و زنده شدن تمام مردگان در مسیح توصیف میکنه. منظورم اینه که به ما گفته شده هر چشمی او رو خواهد دید. دوباره میگم، کدوم قسمتش رازه؟ آشکار و علنی بودن این واقعه هم مثل هر واقعه دیگه‌ای که میتونه باشه هستش.

پس در اینجا که از زبان ربوده شدن استفاده شده، چه اتفاقی داره میفته. بیاید دوباره بهش نگاه کنیم. «زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم...» یعنی، هدف قیام مردگان و ربوده شدن ما در آسمان این نیست که از این دنیا برویم، بلکه هدف اینه که عیسی را به هنگام بازگشتش ملاقات کنیم. او ما را از این دنیا نمی‌بره تا بیرون از دنیا بمانیم. او ما را بالا می‌بره تا در بازگشت مظفرانه‌اش با او شریک شویم.

اگر تا به حال پاریس بوده‌اید، یکی از مهمترین آثار تاریخی این شهر در شانزه لیزه، آرک دِ تریومف یا طاق پیروزی است. اگر به رم رفته باشید، حتماً طاق تیتوس رو دیده‌اید. و طاقهای دیگری از این قبیل در جاهای مختلف و حوالی منطقه‌ای که زمانی امپراتوری روم در اونجا برقرار بوده، پراکنده شده. و اهمیتش هم در همینکه وقتی لژیونهای رومی از روم اعزام می‌شدند تا برای لشکرکشی نظامی یا لشکرکشی برای تسخیر به سوی کشوری بیگانه بروند، با پرچمهای ارتش روم و حروف SPQR (*Senatus PopulusQue Romanus*) یعنی برای سنا و ومردم روم می‌رفتند. به عبارت دیگر در روم چنین برداشتی وجود داشت که فتوحات ارتش صرفاً برای سیاستمدارانی که بر شهر روم حکمرانی می‌کردند نبود، بلکه برای خوشی و منفعت تمام شهروندان شهر به شمار می‌رفت.

پس لشکرها برای لشکرکشی‌های دو یا سه ساله به سرزمین گُل یا هر جای دیگری که بود می‌رفتند و بعد وقتی لشکرها باز می‌گشتند، اسیران را به اسیری می‌بردند. اونها صفی از اسرا

را در زنجیر با خود می‌آوردند. و رژه می‌رفتند. و سربازان حدود یک مایل بیرون از شهر روم اردو می‌زدند. اونها پیام‌رسانی را به سنا می‌فرستادند و می‌گفتند: «لشکر برگشته‌اند. ما اسرا را با خود آورده‌ایم، و اسیران را به اسیری آورده‌ایم؛ حالا وقت اینه که شهر را برای بازگشت پیروزمندانۀ لشکر رومی آماده کنیم.»

پس توی شهر چه اتفاقی می‌افتاد؟ اونها با عجله طاقی بزرگ می‌ساختند که از داخل اون قهرمانان فاتح قدم برمی‌داشتند تا به مرکز شهر برگردند. علاوه بر این، با حلقه‌های گل و عطر به سراسر شهر می‌رفتند تا بوی آزاردهندۀ این برده‌ها را که به شدت عرق کرده بودند، بپوشانند و همۀ آنها برای بازگشت پیروزمندانۀ ارتش آماده شوند. و وقتی همه چیز آماده بود، با دمیدن در شیپور علامت می‌دادند و پس از دمیدن شیپور... شهروندان روم شهر را ترک می‌کردند و به جایی که ارتش آنجا بود می‌رفتند و به آنها ملحق شده و با آنها از زیر طاق عبور می‌کردند. تفکری که پشت این حرکت وجود داشت این بود که اونها در پیروزی لشکر فاتحشون شرکت داشتند.

این دقیقاً همون زبانی است که پولس در اینجا به کار می‌بره. چیزی که داره می‌گه اینه که وقتی عیسی با قدرت فاتحانۀ خودش برمی‌گرده، کلیسا، مردگان و زندگان ربوده شده، در هوا با او ملاقات می‌کنند، نه اینکه اونجا بمونند بلکه در بازگشت مظفرانه‌اش به او ملحق شوند؛ تا در سرافرازی و جلالش شرکت داشته باشند.

می‌دونید، وقتی تعمید می‌گیرید، تعمید دارای علامتی دوگانه است. اول از همه شراکت شما رو با رنج و خواری عیسی نشون میده، اما همچنین شما رو به عنوان کسی علامت‌گذاری میکنه که در جلال و سرافرازی او شراکت خواهید داشت. و پولس رسول به ما هشدار میده که اگر مایل نباشیم در خواری و مصیبت‌های او شریک باشیم، پس سهمی در سرافرازی و جلالش نخواهیم داشت.

پس پیام او به تسالونیکیان اینه که: «شما نگران این هستید که قراره برای عزیزان از دست رفتون چه اتفاقی رخ بده، می‌ترسید اونها این بازگشت پیروزمندانۀ رو از دست بدهند، این پایان خدمت عظیم عیسی در آخر زمان رو از دست بدهند. نه. اونها اول از همه اونجا خواهند بود. اول مردگان برمی‌خیزند و بعد اونهایی که هنوز زنده هستند، یعنی اونهایی که مسیح می‌خواهد با این جماعت عظیم ربوده میشن و دوباره در پیروزی به زمین برمی‌گردن. این همون چیزیه که این نوع زبان داره راجع بهش صحبت می‌کنه.

خب، پولس در نامهٔ دومش به تسالونیکیان باید یک سری سوء تفاهماتی که شایع شده بود رو برطرف می‌کرد. او در فصل دوم این مطالب رو می‌نویسه: «اما ای برادران، از شما استدعا می‌کنم دربارهٔ آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما به نزد او، که شما از هوش خود بزودی متزلزل نشوید و مضطرب نگردید، نه از روح و نه از کلام و نه از رساله‌ای که گویا از ما باشد، بدین مضمون که روز مسیح رسیده است. زنه‌ار کسی به هیچ‌وجه شما را نفریبید، زیرا که تا آن ارتداد، اول واقع نشود و آن مرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد؛ که او مخالفت می‌کند و خود را بلندتر می‌سازد از هر چه به خدا یا به معبود مسمی شود، به‌حدی که مثل خدا در هیكل خدا نشسته، خود را می‌نماید که خداست. آیا یاد نمی‌کنید که هنگامی که هنوز نزد شما می‌بودم، این را به شما می‌گفتم؟ و الان آنچه را که مانع است می‌دانید تا او در زمان خود ظاهر بشود. زیرا که آن سر بی‌دینی الان عمل می‌کند فقط تا وقتی که آنکه تا به حال مانع است از میان برداشته شود. آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد که عیسی خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش، او را نابود خواهد ساخت.» حالا، آن بی‌دین که در اینجا توصیف شده، و گاهی ضد مسیح خونده میشه دربارهاش گفته میشه... «که ظهور او به‌عمل شیطان است با هر نوع قوت و آیات و عجایب دروغ و به هر قسم فریب ناراستی برای هالکین، از آنجا که محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند. و بدین جهت خدا به ایشان عمل گمراهی می‌فرستد تا دروغ را باور کنند و تا فتوایی شود بر همه‌ی کسانی که راستی را باور نکردند بلکه به ناراستی شاد شدند.»

حالا پولس میگه قبل از اینکه مسیح با قومش بیاد، باید ارتداد عظیم اتفاق بیفته. و ارتداد با بت‌پرستی یکی نیست. بت پرستی توصیف‌کنندهٔ مردمیه که هرگز ایمان خود رو به مسیح اعتراف نکرده‌اند. ارتداد در مورد کسانی که ایمان به مسیح رو اعتراف کرده‌اند، عضو بدن مرئی مسیحی یا کلیسا بوده‌اند، اما از حقیقت انجیل لغزش خورده‌اند. می‌دونیم که کلیساها می‌تونن مرتد بشن، یعنی اعتراف ایمانی رو بیان کنن که مقدس و کتاب مقدسی و راستین هست اما بعد از مدتی مفاهیم، ایده‌ها و الگوهای رفتاری بت‌پرستان را بپذیرند و اعترافات اولیهٔ خود را رد کنند؛ اینها دیگر کلیساهای حقیقی و معتبر به حساب نمیان. اونها مرتد هستند. من در مورد مسیحیانی صحبت نمی‌کنم که ایمانداران حقیقی هستند، کسانی که اعتراف ایمان حقیقی دارند، که قرار باشه ایمان خودشون رو از دست بدن و مرتد بشن. نه! من در مورد کسانی حرف می‌زنم که در کلیسای مرئی هستند، اعتراف ایمان علنی کرده‌اند و بعد آن را انکار کردند. این مفهوم ارتداد. و ارتداد در هر دوره‌ای تا حدی رخ میده. اما این ارتداد تحت عنوان ارتداد بزرگ توصیف شده. تقریباً زمانی که عیسی داره برمی‌گرده، می‌تونید انتظار یک ارتداد گسترده

رو داخل خود کلیسا داشته باشید. در ضمن این یکی از دلایلی که بسیاری متقاعد شده‌اند که ما نزدیک ظهور نهایی مسیح هستیم؛ به‌خاطر تجلیات چنین ارتدادی، به‌خصوص در کلیساهای اصلی کشورمون، اما نه فقط در کشور خودمون، بلکه در اروپا و سرتاسر جهان.

اما همچنین پولس به‌عنوان بخشی از این تعلیم، می‌گه: «زنهار کسی به هیچ‌وجه شما را نفریبید، زیرا تا آن ارتداد، اول واقع نشود و آن مرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد؛ او که مخالفت می‌کند و خود را بلندتر می‌سازد از هر چه به خدا یا به معبود مسمی شود، بحدی که مثل خدا در هیکل نشسته، خود را می‌نماید که خداست.» حالا پولس در اینجا چیزی رو توصیف می‌کنه که معمولاً بهش می‌گیم ضدّ مسیح. و اگر به این مفهوم در عهد جدید نگاه کنید، ایده ضدّ مسیح به کسی اشاره داره که فقط بر ضدّ مسیح نیست بلکه فراتر از آن است. در زبان ما "آنتی" به‌معنای ضدّ و مخالف بودن هست. اما در کاربرد یونانی معنای «ضدّ و جایگزین» میده، پس ضدّ مسیح صرفاً مخالف مسیح نیست، بلکه مقام مسیح را می‌خواهد غصب کنه و خودش را جای مسیح بگذاره. او در معبد جلوس می‌کنه، انگار که خداست! به همین دلیل که معمولاً این تصور وجود داره که ضدّ مسیح کسی خواهد بود که در قلمروی مذهبی قرار داره، کسیه که مثل شیطان فرشته نوره و خودش را به‌عنوان یک فرد خوب نشون میده اما در واقع در جهت تضعیف اقتدار عیسی کار می‌کنه.

پس پولس می‌گه که این ضدّ مسیح یا مرد بی‌دین و فرزند هلاکت باید آشکار بشه. و ادامه میده و می‌گه: «سر بی دینی الان عمل می‌کند.» عهد جدید می‌گه: «روح ضدّ مسیح همواره در این دنیاست.» پس جمعیت کثیری از ضدّ مسیحان یا antichrists داریم که با حرف «a» کوچک شروع میشن و به نقطه اوج روح ضدّ مسیح که با «A» بزرگ نوشته میشه منتهی میشن، یعنی بزرگترین و بدترین ضدّ مسیح که در انتها میاد. و او با استفاده از قدرتهای فریبنده میاد و با عمل شیطان کار می‌کنه تا مردم رو به طریق ناراستی مجاب کنه، به‌جای طریق راستی.

و بعد به ما گفته شده که او نابود خواهد شد. «خداوند او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خود او را نابود خواهد ساخت.» پس ما انتظار نداریم که ظهور ثانوی عیسی اتفاق بیافته مگر بعد از این ارتداد و مصیبتی که از طریق ضدّ مسیح واقع میشه؛ چون در حینی که ضدّ مسیح اینجاست، مسیح می‌آید و با نور جلال و نفس دهانش یعنی قدرت کلامش او را نابود می‌سازد. این امیدیه که ما داریم و هرگز در تحققش خللی ایجاد نمی‌شه.